مروری بر سرنوشت کودکانی که قربانی برنامه‌های تبلیغاتی فوتبالی‌ها شدند

کارخانه عروسک‌سازی

مسعود حکم‌آبادی
Masoud HokmAbadi

هروقت و هرکجا که صحبت از «کودکان کار» شده لابد شما هم مثل بقیه ذهن‌تان به سر چهارراه رفته، جایی که خردسالان و نوجوانان قد و نیم‌قدی گل و روزنامه دست‌شان گرفته و پی مشتری می‌گردند، یا حتی با یک دستمال فرمالیته روی شیشه ماشین‌ها برق‌های آبکی می‌اندازند تا چیزی دست‌شان را بگیرد و ته‌اش هم معلوم نشود این چیزهای کوچک نصیب چه کسانی می‌شود اما همه چیز درباره سوءاستفاده از کودکان، همین نیست؛ این روزها فضای مجازی پر شده از این شکل استفاده از آدم‌ها؛ کوچک و بزرگ؛ از کودکی که به خاطر یک «کچلیک» گفتن سلبریتی شده تا کسی که اتفاقاً روپایی هم بلد است.

این ماجراها را حالا با فوتبال تلفیق کنید؛ کودکانی که استعداد دارند [یا حتی ندارند] و بنا به شرایط دستمایه تبلیغات فوتبالی‌ها می‌شوند، ماجرای اینها را می‌خوانید از مسی‌ها و رونالدوهای ساختگی تا این اواخر آرات حسینی!

مهدی حیدری؛ اولین مسی ایرانی!

اولین موردی که از کودکان و نوجوانان این‌چنینی نامش بر سر زبان‌ها افتاد، یک نوجوان ۱۰ساله هرمزگانی بود که اطرافیانش به او لقب «مسی ایرانی» را دادند. مهدی خوب دریبل می‌زد، روپایی می‌زد و کلیپ‌ها و ویدئوهایش در فضای مجازی پر شده بود. رسانه‌ها مدام به سراغ او می‌رفتند و او هم در باد این همه شهرت زندگی می‌کرد و حرف می‌زد.

حیدری کمتر از ۴ سال قبل در گفت‌وگویی گفت که هدفش بازی در «اتلتیکو مادرید» اسپانیاست و برای هدفش می‌جنگد. او که هنوز بازیکن تحت قرارداد یک باشگاه گمنام در یک روستای دورافتاده بود به یکباره مورد هجوم دلالان قرار گرفت و در نهایت تحت مدیریت یکی از همین‌ها هم قرار گرفت.

با تلاش این واسطه نقل و انتقالاتی ویدئوهای او در سایت‌های مختلف بیش از پیش دیده شد و واسطه‌ها او را تا تمرین تیم اصلی «پرسپولیس» هم بردند تا برانکو او را از نزدیک ببیند. حیدری که روز به روز داشت بیش از قبل خودش را روی ابرها می‌دید با پیشنهاد قرارداد از سوی پرسپولیس مواجه شد و به دفتر باشگاه رفت. مدیران قرمزپوش حتی اینجا هم از بهره تبلیغاتی از او دست نکشیدند و از او خواستند کری معروف نشان دادن عدد۶ را جلوی دوربین‌ها انجام دهد و با افتخار اعلام کردند در هیاهوی فصل نقل و انتقالات روی فوتبال پایه سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

حیدری در سال۹۵ با قراردادی ۵ساله به پرسپولیس پیوست اما دیگر حتی در حد حضور در تمریناتِ قرمزها هم کسی عکس و فیلم و خبری از او ندید تا اولین بمب زودگذر فوتبال ایران اینچنین از اذهان محو شود.

خبر «مسی ایرانی پرسپولیسی شد» به سرعت در فضای رسانه‌ای کشور پیچید اما حالا کسی از «مهدی حیدری» خبری دارد؟ پیدا کردن خبری از او که مدتی تیتر یک رسانه‌ها بود، حالا حتی در سرچ گوگل هم کار دشواری است.

امیرحسین حاجی‌زاده؛ لیونل از اردبیل!

اما ماجرای مسی‌ها هیچ‌وقت دست از سر فوتبال ایران برنداشته است. این‌بار «امیرحسین حاجی‌زاده» معروف به «مسی اردبیل»! این مورد، عجیب‌ترین مورد استفاده تبلیغاتی از استعدادهایی بود که هدر رفتند. «محمد رویانیان» مدیرعامل وقت پرسپولیس که استاد این ماجراهای تبلیغاتی بود اعلام کرد با حاجی‌زاده قراردادی ۱۰ساله امضا کرده و با رابطه «علی دایی» او را به تیم‌های پایه «رئال مادرید» خواهند فرستاد و یک‌بار حتی در خبری عجیب رویانیان اعلام کرد که «خانواده امیرحسین با پیوستن او به رئال مادرید موافقت کرده‌اند»!

امیرحسین مدت‌ها تیتر یک رسانه‌ها بود، خبرنگاران برای پیدا کردن او تا اردبیل می‌رفتند اما در نهایت نه قراردادی با امیرحسین امضا شد و نه کسی او را به جایی فرستاد، همه اینها باعث شد تا او روز به روز افسرده‌تر از قبل شود و خانواده‌اش تصمیم گرفتند او را ممنوع‌المصاحبه کنند تا بلکه به شرایط عادی زندگی برگردد. امیرحسین در سن ۱۱سالگی تحت درمان یک روانپزشک قرار گرفت تا دوران افسردگی خودش را بگذراند.

او افسرده شد؛ از این همه شهرت یکباره و محو شدن سریع. دیگر نه کسی از او خبری گرفت و نه حتی توانست در همان تیم‌های بی‌نام و نشان شهرش فوتبال بازی کند، چرا که هر وقت در تمرینات تیم اردبیلی حاضر می‌شد همه او را یک طردشده می‌دیدند و به شرایط او می‌خندیدند!

حاجی‌زاده بعد از مدت‌ها دوری از فوتبال در اردوی رامسر در تمرینات تیم آکادمی مهدوی‌کیا حاضر شد و الان هم در سن۱۶سالگی بازیکن همان تیم است، او حالا بعد از گذشت ۷سال اعلام کرده قراردادش با پرسپولیس نمایشی بوده و هیچ جنبه رسمی نداشته؛ درست برعکس چیزی که مدیران وقت پرسپولیس اعلام کردند و بابتش کلی تبلیغات راه انداختند.

در هیاهوی استفاده تبلیغاتی مدیران از «مسی اردبیل» خبر آمد که بلافاصله پس از کشف او، حالا یک «رونالدو دهدشتی» را نیز معرفی خواهند کرد، که به لطف خدا این اتفاق نیفتاد!

هانی نوروزی؛ به نام پدر

نهم مهرماه۱۳۹۴ وقتی خبر شوکه‌کننده درگذشت «هادی نوروزی» مهاجم محبوب پرسپولیس مخابره شد، کسی حتی تصورش را هم نمی‌کرد که مدیرانی در فوتبال ایران هستند که از فوت یک فوتبالیست هم می‌توانند به نفع تبلیغات خودشان بهره‌برداری کنند اما دقیقاً همین که نباید می‌شد، شد.

«هانی نوروزی» فرزند نوروزی مرحوم، حالا بیش از سایر اعضای خانواده نوروزی در دید مردم و رسانه‌ها بود. بازی‌های یادبود هادی با حضور رسانه‌ای و پررنگ هانی ۸ساله برگزار می‌شد و او بارها در کنار بازیکنان معروف دیده شد. صفحه اینستاگرام او حالا نزدیک به ۷۰۰هزار دنبال‌کننده دارد و پیجش به محل درآمدزایی برای تبلیغات هم رسیده، درآمدهایی که معلوم نیست در نهایت به جیب چه کسانی می‌رود؟!

هانی کم‌کم زبان باز کرد، مصاحبه می‌کرد و درباره مسائل مختلف حتی اظهارنظر هم می‌کرد و جایش را به عنوان فردی که حرف‌هایش برد رسانه‌ای دارد در میان بقیه باز شده بود، همین هم شد که مدیران پرسپولیس خردادماه۹۸ اعلام کردند هانی را به عضویت تیم نونهالان خود درمی‌آورند! این خبر را «محمدحسن انصاری‌فرد» مدیرعامل وقت پرسپولیس اعلام کرد، البته که این خبر تکمیل قولی بود که «علی‌اکبر طاهری» بلافاصله پس از فوت «هادی نوروزی» داده بود.

اما آیا واقعاً هانی نوروزی فوتبالیست است؟ او استعدادی در این حوزه دارد؟ اصلاً کسی مطمئن است هانی فوتبالیست‌شدن را به عنوان شغل آینده خود انتخاب کرده است؟! پاسخ به این سؤالات منفی است، چرا که درباره سؤال سوم حداقل اینکه جایی از او نقل قول شد که «به فوتبال و تنیس علاقه‌مند است اما به گفته خودش هنوز از میان فوتبال و تنیس انتخاب نهایی خود را نکرده است.»

با این حال اما او مهره تبلیغاتی خوبی برای پرسپولیس بود و بارها مدیران پرسپولیس نگاه هواداران را از نتایج بعضاً ضعیف این تیم به سمت هانی منحرف کردند، هرچند که این ماجراها دوام نیاورد و فعلا کسی از سرنوشت حضور هانی در پرسپولیس خبر خاصی در دست ندارد!

آرات حسینی؛ عروسک بابا

اما جدیدترین ماجراهای کودکان این شکلی، کودک ۷ساله ایرانی «آرات حسینی» است. او از سن ۳سالگی کم و بیش در رسانه‌های مجازی اسم و رسمش پیچید؛ کودکی که انعطاف بدنی خوبی داشت و شکل اندامش هم، او را از هم‌سن و سال‌هایش متمایز می‌کرد. همان موقع‌ها برخی از حامیان حقوق کودکان به خانواده او اعتراض کردند که چرا کودکی در این سن و سال را وادار به تمرینات سختی می‌کند که بدنش مانند یک بدنساز حرفه‌ای شش‌تکه شده است؟!

با این حال مسیر رشد او از یک‌جایی عوض شد؛ از جایی که «لیونل مسی» زیر یکی از پست‌های او کامنت گذاشت و مخاطبین پیج آرات به ۴میلیون نفر رسید و او بیش از اینکه کارهای ورزشی‌اش را دنبال کند به برنامه‌های تبلیغاتی پدرش پرداخت و مبالغ هنگفتی برای او کسب کرد. از طرفی رسانه‌ها دست‌بردار انتشار اخبار عجیب از آرات نبودند؛ از تمایل لیورپول و بارسلونا برای عقد قرارداد با او تا اصرار باشگاه‌های بزرگ دنیا برای حضور آرات در کمپ‌های آنها، چه اینکه «لیورپول» به طور رسمی اعلام کرد نه او را می‌شناسد نه برنامه‌ای برای جذب او دارد! «آرات حسینی» حالا بیش از یک ورزشکار یک اینفلوئنسر قوی در اینستاگرام است که بابت تبلیغات در صفحه‌اش میلیون‌ها تومان پول دریافت می‌کند که بی‌کم و کاست به حساب پدرش واریز می‌شود. پدری که از آرات به مثابه ابزاری برای کسب درآمد نگاه می‌کند و همانطور که از ویدئوهای صفحه مشخص است، کار و کاسبی خودش در ایران را ول کرده و با همین پول‌ها دنیاگردی را شروع کرده است. پدر آرات از هیچ تلاشی برای دیده شدن فرزندش به هرشکلی دریغ نمی‌کند، در آخرین اقدام هم آرات را مجبور به زدن ۴هزار روپایی کرده که چیزی نزدیک به ۷۰دقیقه طول کشید؛ اتفاقی که حتی برای یک فوتبالیست حرفه‌ای هم چندان ساده نیست.

آرات شاید یک کودک مستعد در حوزه فوتبال باشد اما شکل استفاده پدرش از این استعداد حتماً یک روز به تاریخ انقضا خواهد رسید، هرچند که آقای پدر همچنان معتقد است پسرش فوتبالیست بزرگی در دنیا خواهد شد.